



**وزارت علوم، تحقیقات و فناوری**  
**پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**  
مدیریت تحصیلات تکمیلی

**پایان نامه اخذ درجه کارشناسی ارشد**  
رشته زبان و ادبیات فارسی

**عنوان پژوهش**  
نقد و بررسی احوال و آثار فریدون توللی

**استاد راهنما**  
دکتر حسین نجفداری

**استاد مشاور**  
دکتر فرنگیس پرویزی

**نگارش**  
شهناز عرش اکمل

۱۳۸۶

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده.....
۲	پیشگفتار.....
۶	فصل اول: جستاری در زندگانی و آثار توللی و زمان او.....
۷	شرح احوال.....
۹	زندگی هنری سیاسی.....
۱۷	توللی و شعر.....
۲۱	توللی و دیگران.....
۳۰	ویژگیهای شعر توللی.....
۳۳	تأثیر بودلر بر توللی.....
۴۳	تأثیر توللی بر دیگران.....
۴۷	پی‌نوشتها.....
۵۴	فصل دوم: اشعار توللی از نظر محتوا.....
۵۵	رها.....
۶۱	درونمایه‌های شعری رها.....
۸۷	نافه.....
۱۰۹	پویه.....
۱۲۲	شگرف.....
۱۳۴	بازگشت.....
۱۴۷	پی‌نوشتها.....
۱۵۴	فصل سوم: ویژگیهای زبانی، بلاغی و موسیقایی.....
۱۵۵	زبان.....

۱۵۶	ویژگیهای زبانی رها
۱۵۸	زبان نافه
۱۶۱	زبان پویه
۱۶۴	زبان شگرف
۱۶۷	زبان بازگشت
۱۷۱	<b>جنبه‌های بلاغی</b>
۱۷۲	صور خیال
۱۷۳	تشبیه
۱۷۳	تشبیهات فشرده
۱۷۶	تشبیهات گسترده
۱۸۵	استعاره در رها
۱۸۶	تشخیص در رها
۱۸۸	استعاره در نافه
۱۸۹	تشخیص فشرده
۱۹۰	تشخیص گسترده
۱۹۰	استعاره در پویه
۱۹۱	تشخیص فشرده
۱۹۲	تشخیص گسترده
۱۹۲	استعاره در شگرف
۱۹۳	تشخیص فشرده
۱۹۳	تشخیص گسترده
۱۹۳	استعاره در بازگشت
۱۹۴	استعاره کنایی
۱۹۴	تشخیص فشرده

۱۹۴	تشخیص گسترده .....
۱۹۶	صنایع ادبی .....
۱۹۶	مراعات نظیر .....
۱۹۷	واج آرای .....
۱۹۷	ایهام .....
۱۹۷	ایهام تناسب .....
۱۹۸	جناس .....
۱۹۸	لف و نشر .....
۱۹۸	تلمیح .....
۱۹۹	تضمین .....
۱۹۹	اشتقاق .....
۱۹۹	تضاد و پارادوکس .....
۲۰۰	ارسال المثل .....
۲۰۰	وزن و قافیه در شعر تولی .....
۲۰۶	پی نوشتها .....
۲۰۷	فصل چهارم. آثار منشور تولی (التفصیل و کاروان) .....
۲۰۸	التفصیل .....
۲۱۲	طنز چیست .....
۲۱۹	زبان التفصیل .....
۲۲۳	مضامین مطرح شده در التفصیل .....
۲۳۹	کاروان .....
۲۴۲	زبان .....
۲۴۳	محتوا .....
۲۵۳	آرایه‌های ادبی التفصیل و کاروان .....

۲۵۴	.....	سجع
۲۵۴	.....	جناس
۲۵۴	.....	واج آرایی
۲۵۵	.....	مراعات نظیر
۲۵۵	.....	ارسال المثل
۲۵۵	.....	تجاهل العارف
۲۵۵	.....	ایهام
۲۵۶	.....	ایهام تناسب
۲۵۶	.....	تشبیه
۲۵۶	.....	استعاره
۲۵۷	.....	پی نوشتها
۲۶۱	.....	فهرست منابع

## چکیده

پژوهشی که پیش روست به فریدون توللی و آثار او می‌پردازد. این پژوهش از چهار فصل و یک پیشگفتار تشکیل شده است. فصل اول که به زندگی و احوال و آثار توللی اختصاص دارد، شامل بخشهای شرح احوال، زندگی هنری سیاسی شاعر، توللی و دیگران، توللی و شعر، تأثیر بودلر بر توللی و تأثیر توللی بر دیگران است. فصل دوم نیز به محتوای مجموعه‌های شعر او (رها، پویه، نافه، شگرف و بازگشت) می‌پردازد. فصل سوم ویژگیهای زبانی، بلاغی و موسیقایی اشعار را بررسی می‌نماید و در فصل چهارم نیز آثار منشور توللی (التفصیل و کاروان) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

در این پژوهش، سعی بر این است که شرح مبسوطی از آثار توللی داده شود و این آثار از جنبه‌های زبانی، بلاغی و به خصوص محتوایی مورد بررسی کامل قرار گیرد.

کلید واژگان: توللی، شعر. نقد. التفصیل

## پیشگفتار

وقتی نام ادبیات معاصر به میان می‌آید، ذهن، بی‌اختیار به سمت شاعرانی مانند شاملو، سپهری، فرخزاد، اخوان و .... سوق می‌یابد. زیرا این شاعران سهم عمده‌ای در ارتقاء شعر امروز دارند و جایگاه والایی را در قلمرو ادبیات معاصر به خود اختصاص داده‌اند. گذشته از این افراد، شاعران دیگری نیز وجود دارند که نام آنها در حوزه شعر معاصر به چشم می‌خورد. اما آنها نسبت به شاعران مذکور از شهرت کمتری برخوردار می‌باشند. حال ممکن است که آنها در گسترش شعر معاصر دارای سهمی باشند یا نباشند و نام آنها در صحنه شعر جاوید باشد یا اینکه غباری از نام آنان در ذهن روزگار برجا بماند. توللی از این دسته شعرا است. شاعری که در آغاز راه شعر، موفق‌تر از انجام راه است.

توللی در ابتدای کار، یک مبارز سیاسی نستوه است و بدون هیچ واهمه‌ای به نگارش و سرایش آثارش می‌پردازد و در این راه سختی‌های فراوان نیز می‌بیند. قطعات سیاسی اجتماعی طنزآمیز او با نام «التفصیل»، نام او را در میان سخنوران آن روزگار بلند آوازه می‌نماید و اشعار تغزلی‌اش که در مجموعه «رها» موجود است، راه تازه‌ای را در سرایش اشعار تغزلی و لطیف عاشقانه می‌گشاید. دوستی و همراهی او با نیما یوشیج از مسائلی است که در زندگی‌اش پیش می‌آید و او را تحت تأثیر شعر نو نیمایی قرار می‌دهد. اما پس از مدتی، شاگرد سر به عصیان می‌گذارد و از استاد خویش جدا می‌شود. زیرا راه و روش نیما را در ارائه شعر نو نمی‌پسندد. جدایی او از نیما سر و صدای بسیاری در حیطه شعر به پا می‌کند.

اما کودتای سال ۱۳۳۲ توللی را چنان ناامید و دلسرد می‌کند که دست از مبارزه می‌کشد و منزوی می‌شود. در شعر نیز با سیری قهقهه‌رایی و رو به افول مواجه می‌گردد و در این میان، مخالفت برخی صاحب‌نظران و منتقدین را نسبت به خود برمی‌انگیزد. اما مدتی پس از آن به سراغ اشعاری می‌رود که ناامیدی و دلسردی از مولفه‌های اصلی آن است و بوی مرگ و نیستی از جای جای آن به مشام می‌رسد. تنهایی، ناامیدی، بی‌وفایی دوستان و بیماری از او فردی می‌سازد که در خرابه‌های ناکامی، میان حلقه حلقه‌های دود افیون، با

بدبینی تمام شعر می‌سازد. پس از آن نیز به اشعاری با موضوعات قدیمی و تکراری روی می‌آورد.

به هر حال، فریدون توللی از شعرای معاصر است که نمی‌توان حضور او را در ادبیات معاصر نادیده گرفت. بیشتر پژوهشها و تحقیقاتی که حول محور شعر معاصر می‌چرخند به شعرایی اختصاص دارد که در آغاز این مقال، نام آنها به میان آمد و کمتر به شعرایی نظیر توللی پرداخته شده است.

هدف از این پژوهش، شناخت شاعری است که کمتر راجع به او سخن گفته‌اند. در حالی که در طی بررسی آثار او می‌توان رد برخی حوادث سیاسی اجتماعی و جریان‌های روز را یافت، با پیچ و خمها و نوسانات شعر آن دوره آشنا شد، نظرات و آراء صاحب‌نظران را راجع به توللی دریافت، میزان تأثیر گذاری او را بر شاعران هم‌عصرش سنجید و به طور کلی بر موجودیت شعر آن دوران وقوف یافت.

این تحقیق، نگارنده را بر آن داشت که به مطالعه کتابهای برجسته مربوط به حوزه شعر معاصر پردازد و علاوه بر استخراج مطالب مربوط به توللی و آثارش، با مضامین مطرح شده در این کتب آشنا گردد.

البته در کتب مذکور، اطلاعات راجع به توللی محدود است. از منابعی که در شناخت توللی، کمک شایانی به نگارنده نمودند، می‌توان از مجله آینده نام برد که پس از مرگ توللی، یک شماره را به او اختصاص داده است و مقالات متعددی را در آن راجع به احوال و آثار شاعر می‌توان یافت.

این پژوهش در ۴ فصل تنظیم شده است در فصل اول که به شرح حال، زندگی سیاسی و ادبی شاعر، نظرات منتقدین و ویژگیهای شعری می‌پردازد، صرفاً از نظرات دیگران استفاده شده است. در واقع، ارجاعهای پی در پی که در این فصل موجود است، به این خاطر است که غرض نگارنده، درج سخنان دیگران درباره شاعر است. می‌توان گفت که تقریباً بیشتر آرا و عقایدی که راجع به توللی وجود دارد، در این فصل آمده است. اما در بخش تأثیرپذیری توللی از بودلر که در همین فصل قرار دارد، نگارنده با مطالعه اشعار بودلر



و مطابقت آن با اشعار توللی، شباهتهایی را که مبین تأثیرگذاری بودلر بر توللی است، شرح داده است. بخش آخر این فصل نیز دربارهٔ تأثیرگذاری توللی بر شاعران هم دوره خویش است که شامل آراء و عقاید صاحب نظران دربارهٔ این تأثیرگذاری است.

فصل دوم به محتوای مجموعه‌های شعر توللی (رها، نافه، پویه، شگرف و بازگشت) می‌پردازد. لازم به ذکر است که به دلیل تنوع موضوعات اشعار و متفاوت بودن زمینه‌های فکری شاعر در مجموعه‌هایش، تاکید نگارنده بر بررسی و تفصیل مضامین و محتوای آثار است و به همین خاطر، این فصل مفصلتر و مبسوطتر از دیگر فصول می‌باشد. تمامی اشعار مجموعه «رها» که مهمترین و بهترین مجموعه شعری توللی است، از نظر محتوایی بررسی شده‌اند. اما محتوای دیگر مجموعه‌ها به صورت موضوعی دسته‌بندی شده و ذیل هر موضوع، برخی اشعار برجسته با ذکر شاهد مثال، مورد شرح قرار گرفته‌اند.

فصل سوم به ویژگیهای زبانی، بلاغی و موسیقایی اشعار اختصاص دارد. خصوصیات زبانی اشعار، اعم از انواع ترکیبات و واژگان به کار رفته در آنها، ویژگیهای دستوری متروک، کاربرد اصطلاحات عامیانه و ..... در بخش زبان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. صور خیال (صرفاً استعاره و تشبیه) و صنایع ادبی به کار رفته در آثار توللی نیز استخراج شده و در بخش مربوط به خود آمده است. در این فصل، به وزن و قافیه اشعار نیز اشاره‌ای شده است.

فصل چهارم آثار منثور توللی یعنی «التفصیل» و «کاروان» را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و مضامین و محتوای این دو اثر و زمینه‌های سیاسی نگارش آنها را مفصلاً شرح می‌دهد. این آثار از لحاظ زبانی و بلاغی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند.

به هر صورت، سعی نگارنده بر این است که تحقیقی جامع و قابل قبول ارائه دهد و بر این امید است که کاستیها و سهوهای این پژوهش به دیدهٔ اغماض نگریسته شود.

در پایان، از استاد بزرگوار و گرانقدرم آقای دکتر نجفدوری که راهنمایی این پژوهش را به عهده داشتند و با کمکهای بی‌دریغ و استادانهٔ خویش، نگارنده را در پیشبرد این رساله مدد رساندند، نهایت سپاسگزاری را دارم. همچنین از زحمات استاد ارجمندم خانم دکتر

پرویزی که در مشاورت و راهنمایی بنده، از هیچ کمکی دریغ نفرمودند، تشکر می‌کنم. از استاد ارزشمندم آقای دکتر رادفر که انجام این پژوهش را پیشنهاد فرمودند و در طول کار، مرا از راهنمایی خویش بی‌بهره نگذاشتند نیز قدردانی می‌نمایم.

فصل اول  
جستاری در زندگی و آثار توللی و  
زمان او

## شرح احوال

فریدون توللی، شاعر معاصر در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در شهر شیراز دیده به جهان گشود. پدرش از خانواده‌های اصیل شیراز بود. توللی در ۶ سالگی مادرش را از دست داد و مرگ زود هنگام مادر، اثر عمیقی روی او گذاشت تا جایی که حتی تا آخرین روزهای عمر به مادرش می‌اندیشید. او در کودکی به دنبال یک سرما خوردگی دچار رماتیسم قلبی شد و تا آخر عمر با این بیماری مدارا کرد.<sup>۱</sup>

او پس از پایان تحصیلاتش در رشته ادبی، برای تحصیل به تهران آمد و در رشته باستانشناسی مشغول تحصیل شد. پس از گرفتن لیسانس در سال ۱۳۲۰ به شیراز بازگشت و در اداره فرهنگ فارسی، در امور باستانشناسی به کار مشغول شد. در همین سالها با نویسنده کتاب «سنجاق مروارید» یعنی مهین فربود ازدواج کرد.<sup>۲</sup>

«مهین توللی (فربود) متولد سال ۱۳۰۹ بود که به دلیل زایش در خانواده‌ای فرهنگی از زمان کودکی با ادبیات پیوند خورد.... از همین روی نخست به اشعار توللی دل باخت و سرانجام به عقد او درآمد. نویسندگی را در کنار شوهر هنرمندش در پیش گرفت و به نوشتن داستانهای کوتاه پرداخت. او دو مجموعه داستان با نامهای «سنجاق مروارید» و «ویلن شکسته» دارد.<sup>۳</sup>

توللی علاوه بر شعر به موسیقی نیز علاقه داشت. پیانو و ویلن را خوب می‌نواخت و مدتها شاگرد استاد صبا بود.<sup>۴</sup>

توللی از یازده سالگی شروع به سرودن شعر می‌کند و از همان آغاز دواوین شعری پیشینیان و معاصران را مطالعه می‌نماید و تا سال ۱۳۱۷ که مقارن با ۱۹ سالگی اوست، اشعارش را به تأثیر از این اشعار می‌سراید. اما پس از آن، از این مضامین تکراری دلزده می‌شود و به ابداع طریقی دیگر دست می‌زند. در این میان مرید نیما یوشیج شده، به تقلید از او شعر می‌گوید.<sup>۵</sup>

ارادت توللی به نیما و سپس رد اصلاحات نیما در شعر نو، توسط توللی خود بحثی جدا دارد که به آن پرداخته خواهد شد.

شاعر در سال ۱۳۲۵ به اداره کل باستانشناسی تهران منتقل و مأمور نظارت بر کاوش‌های علمی گشت.<sup>۶</sup>

به گفته همسر توللی، او آدم بی‌ریا و ساده‌ای بود و به دیگران زیاده از حد اعتماد می‌کرد. در خانه‌اش به روی همه باز بود و با اهل ادب معاشرت داشت. کسانی چون نیما یوشیج، جلال آل‌احمد، صادق هدایت، دکتر خانلری (که اشعار او را در مجله سخن منتشر می‌کرد)، نادرپور، صادق چوبک و ... همگی از دوستان توللی بودند.<sup>۷</sup>

دکتر مهدی پرهام نیز که از نزدیکان توللی است او را فردی معرفی می‌کند که «در وجودش یک سر سوزن سالوس و ریا نبود. تریاک می‌کشید و پروایی نداشت که او را تریاکی بدانند. عاشق پیشه بود و در عشق، بی‌پروایی و جسارت داشت تا جایی که گاهی تا مرز آشفته‌گی خانواده و ریزش بنیادهای سیاسی اجتماعی خودش پیش می‌رفت ولی هیچ کس را بر همسرش رجحان نمی‌داد. تمام کتابهایش را تقریباً به همسرش اهدا کرده است.<sup>۸</sup>

پرویز خائفی توللی را نمونه کامل و مصداق درست افراط و تفریط می‌داند که گاهی از کوچکترین ناملایمی به سختی می‌رنجید و گاهی چنان بود که دوستی را برادرانه و صمیمانه دوست می‌داشت که به حد پرستش هم می‌رسید.<sup>۹</sup>

«شیفتگان او تمامی حرکات و سکنات و حتی خط و خطوط چهره او را از نظر دور نمی‌دارند.<sup>۱۰</sup>

او نسبت به کار خود، حساسیت ویژه‌ای داشت و با توجه به اینکه مسئول حفاری‌ها بود، در برابر عمال فاسد که میراث فرهنگی را تاراج می‌کردند، با زبان و قلم مبارزه می‌کرد و با انتشار مقالات این وضعیت آشفته را به اطلاع مردم می‌رساند.<sup>۱۱</sup>

مهین توللی درباره جذب توللی به حزب توده، پیروی او از قوانین این حزب (عدالت و برابری) و پایبندی‌اش به این قوانین سخن می‌گوید و نقل می‌کند که توللی از پدرش که فرد متمولی بود، می‌خواست تا املاکش را بفروشد و پول آنرا به مردم فقیر بدهد.<sup>۱۲</sup>

توللی در آغاز کار شاعری خود، به مبارزه قلمی دست می‌برد. و از هنر خود در راه دفاع از آرمانهایش بهره می‌گیرد. در آن دوره، او شاعری است سیاسی اجتماعی که هیچ یک از سردمداران حکومتی از تیغ طنز او در امان نمی‌مانند. اما پس از مدتی به انزوا می‌گراید و تنها به سرودن اشعار عاشقانه اکتفا می‌کند. البته تمامی این مطالب به تفصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت و غرض، اشاره‌ای است به مباحثی که از نظر خواهد گذشت.

سرانجام، فریدون توللی در روز شنبه، ۹ خرداد ۱۳۶۴ در شیراز درگذشت و در جوار آرامگاه حافظ، در مقبره خانوادگی خود به خاک سپرده شد.<sup>۱۳</sup>

## زندگی هنری سیاسی

زندگی هنری توللی همانگونه که قبلاً به آن اشاره شد، دارای دو دوره است. یک دوره که به سیاست و اجتماع می‌گراید و شعر را در خدمت آن قرار می‌دهد و دوره دیگر که منزوی می‌شود و به سرایش اشعاری می‌پردازد که هیچ پیوندی با اشعار و آثار دوره قبلی‌اش ندارد.

محمد رضا تبریزی، نویسنده کتاب «نقش توللی در ادبیات سیاسی دوره پهلوی» برای زندگی ادبی، سیاسی و اجتماعی توللی منحنی‌ای را رسم می‌کند که دارای فراز و نشیبهای بارزی است که در آن، قوت و ضعف شاعر به آخرین درجه اوج و حضيض خود می‌رسد. که در این منحنی، زندگی سیاسی اجتماعی و ادبی توللی به سه دوره مجزا تقسیم شده است:

۱- دوره اول: از شهریور ۱۳۲۰ یعنی اشغال نظامی ایران توسط متفقین، عزل رضا شاه، روی کار آمدن محمد رضا پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و سقوط دکتر مصدق.

۲- دوره دوم: از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تا انتصاب اسدالله علم به سمت ریاست دانشگاه پهلوی شیراز در سال ۱۳۴۳.

۳- دوره سوم: از فروردین ۱۳۴۴ و اشتغال توللی در دانشگاه شیراز تا پایان عمرش در خرداد سال ۱۳۶۴<sup>۱۴</sup>

توللی در این ۳ دوره به نگارش و سرایش آثارش می‌پردازد که آنها عبارتند از ۲ دفتر  
منثور التفصیل و کاروان و ۵ دفتر منظوم رها، نافه، پویه، شگرف و بازگشت که شرح این  
دفاتر در بخشهای بعد، از نظر خواهد گذشت.

«توللی از نوجوانی به شعر و ادبیات علاقه داشت و روزنامه دیواری‌های «دبیرستان  
نمازی» شیراز زیر نظر او اداره می‌شد. او برای شکوفا کردن استعداد دانش آموزان،  
انجمن‌های فوق برنامه برپا می‌کرد و خود نیز آنها را رهبری می‌نمود.»<sup>۱۵</sup>

پس از دوران تحصیل، او وارد مبارزات سیاسی می‌شود و به حزب توده می‌پیوندد و  
کتاب التفصیل را در حمایت از این حزب به نگارش در می‌آورد. انور خامه‌ای در کتاب  
خاطراتش به حضور توللی و صادق هدایت در راهپیمایی حزب توده در تهران اشاره  
می‌کند.<sup>۱۶</sup>

مهدی پرهام درباره مبارزات سیاسی توللی سخن می‌گوید و به این مطالب اشاره  
می‌کند که قبل از گشایش حزب توده، جوانان شیراز علیه قوام و خانهای قشقای مبارزات  
سرسختانه‌ای می‌کردند و روزنامه فروردین به مدیریت عبدالله عفیفی و روزنامه سروش،  
افکار آنها را منعکس می‌نمود. توللی نیز از نویسندگان مشهور این دو روزنامه بود و سبک  
التفصیل او برای اولین بار در این روزنامه‌ها انتشار یافت.<sup>۱۷</sup>

با افتتاح حزب توده، روزنامه سروش که التفصیلهای صد درصد سیاسی فریدون را  
درج می‌کرد، زبانزد خاص و عام بود و حزب توده، هر روز عصر، مقابل باشگاه خود،  
اشعار او را با آهنگ، در بلندگو می‌خواندند.<sup>۱۸</sup>

انتخابات دوره پانزدهم سال ۱۳۲۲ نیز به لحاظ سیاسی اجتماعی، نقطه عطفی است.  
روزنامه‌ها بازار انتخابات را گرم نگه می‌دارند. در همین سال در شیراز، گروهی به نام  
«جمعیت آزادگان فارس» تشکیل می‌شود که توللی، دکتر حمیدی شیرازی، جعفر ابطحی،  
رسول پرویزی، مهدی پرهام از سران این جمعیت هستند که در روزنامه‌های سروش و  
اقیانوس خورشید ایران درباره شیوه انتخابات، افشاگری می‌نمایند و به همین دلیل به بُستک

لار تبعید می‌شوند. که البته توللی به تهران می‌گریزد و قطعاً خواجه (قطعه‌ای از قطعات التفصیل) را در همین ایام می‌سراید.<sup>۱۹</sup>

اما پس از مدتی، توللی به این نتیجه می‌رسد که حزب توده، یک حزب مستقل نیست و وابسته است. بنابراین، به همراه آل احمد، خلیل ملکی، انور خامه‌ای و گروهی دیگر، از این حزب انشعاب می‌کند.<sup>۲۰</sup>

این انشعاب که باعث شد بیش از صدها تن از رهبران و کادر فعال این حزب از آن جدا شوند، یکی از حوادث مهم تاریخ سیاسی ایران در قرن حاضر است. هدف اصلی انشعاب، بیرون آمدن از زیر قید شوروی بود. زیرا انشعابیون، بیماری اساسی حزب توده را تشخیص دادند و آنرا درمان ناپذیر یافتند. بنابراین از این منجلاب خیانت بیرون آمده، در برابر آن ایستادند.<sup>۲۱</sup>

توللی نیز بعد از انشعاب از حزب، با سلاح طنز به مصاف رهبران حزب توده می‌رود و در روزنامه «شرق میانه» شروع به فعالیت می‌کند.<sup>۲۲</sup>

«بعد از جدایی او از حزب، دست اندرکاران نشریات حزب توده می‌خواستند که غیبت قلم توللی را با جانشینی قلم «احسان طبری» که از نظریه پردازان و چهره‌های قلم و قدم حزب بود، جبران کنند (که البته از نظر برخی) این کار نشدنی بود زیرا که نوشته‌های طبری صرفاً یک تقلید کورکورانه و تصنعی بود.»<sup>۲۳</sup>

در این میان، حزب توده نیز بیکار نمی‌نشیند و توللی را آماج حملات خود قرار می‌دهد. به گفته مهدی پرهام «گردانندگان حزب، برای تخفیف فریدون او را به بچه سروری تشبیه می‌کنند که بر چهره مادرش چنگ می‌زند..... اما فریدون را حزب نپرورده بود که از او توقع مادرنوازی داشته باشند. این مدعی مادری، همین فرزند خیالی را به بازار برده فروشان می‌خواست ببرد و با خود یک جا معامله کند که فرزند خوانده روی برتافت و راهی دگر سپرد.»<sup>۲۴</sup>

«توللی در ادبیات سیاسی سال ۱۳۲۰ به بعد نقش عمده‌ای دارد. او شخصاً ناظر ورود متفکین به ایران و فرو ریختن پایه‌های دیکتاتوری رضاخانی ..... است. با سقوط



دیکتاتوری، مطبوعات نفس راحتی می‌کشند، روزنامه‌ها به جنب و جوش می‌افتند و آزادی طلبی بار دیگر نمایان می‌شود».<sup>۲۵</sup>

محمد رکن‌زاده آدمیت، وطن دوستی و آزادی خواهی توللی را می‌ستاید و از اینکه فرزند یکی از متمکنین و محافظه‌کاران فارس، به جنبش در آمده و علیرغم افکار کهنه پدر خود، علیه خائنین قیام کرده است، اظهار شگفتی می‌نماید.<sup>۲۶</sup>

توللی همه مسائل روز را در نظر داشت و در برابر هر کنش سیاسی، واکنش نشان می‌داد. «از ابتدا با تسلیح عشایر مخالف بود و تجدید حکومت خان خانی را مغایر با امنیت مصالح مملکت می‌دانست و مرتباً در «سروش» به سران ایل حمله می‌کرد».<sup>۲۷</sup>

برخی به اسیر شدن توللی به دست خوانین قشقایی اشاره می‌کنند که در این اسارت مورد شکنجه آنان قرار می‌گیرد.<sup>۲۸</sup>

توللی قبل از انشعاب، در روزنامه اقیانوس، قطعات التفصیل را در ستونی به نام فوائدالادب به قلم صاحب التفصیل چاپ می‌کرد و سر مقاله‌ها و بعضی مقالات جدی خود را در آن روزنامه با امضای بی‌امضا می‌نوشت. قطعاتی از التفصیل را نیز برای خورشید ایران می‌فرستاد که در ستونی به نام لطائف التحف به چاپ می‌رسید.<sup>۲۹</sup>

او در التفصیل، به مبارزه علنی با عناصر سیاسی مانند قوام السلطنه سید ضیاءالدین طباطبائی و .... می‌پردازد که در بخش مربوط به التفصیل به طور مبسوط به آن پرداخته خواهد شد.

مبارزه توللی با سید ضیاء بسیار مشهود است و در جای جای التفصیل به چشم می‌خورد. مهدی پرهام در رابطه با مبارزه توللی با سید ضیاءالدین طباطبائی خاطره‌ای را نقل می‌کند که درباره اولین دیدار توللی با ضیاءالدین می‌باشد. از این قرار که سید ضیاء با توللی به گرمی دست می‌دهد و می‌گوید: «اگر قرار است که آدم فحش بخورد چه بهتر که از این خداوند ذوق و هنر باشد.» و رو به فریدون چنین می‌گوید: «شما را با این سبک نویسندگی مسن‌تر از این فکر می‌کردم.... شما افتخار مملکت هستید. خداوند حفظتان کند».<sup>۳۰</sup>

ابراهیم گلستان، نوگرایی توللی را با نوجویی و نبرد اجتماعی، همراه می‌داند. که ورزیدگی‌اش در سرایش شعر نیز در سایه جوشش جریانهای روز صیقل می‌یابد و آینه‌ای برای انعکاس حس سخن و ذوق زنده او می‌شود. از نظر گلستان، قداره بند عشایر، مأمور دیپلمات بیگانه، زمینداران و .... از التفصیل‌های او در امان نبودند و شعر «فردای انقلاب» او سرود جنبش جنباننده در سراسر ایران بود. گلستان در این گونه مبارزات پس از سقوط رضاشاه هیچ کس را جلوتر از توللی نمی‌داند.<sup>۳۱</sup>

توللی در مبارزات سیاسی دکتر مصدق نیز با او همگام است. فرخ تمیمی، شاعر معاصر، در یادداشت‌های شخصی خود به علی بابا چاهی چنین می‌نویسد: «توللی از فعالان جبهه مصدق بود. در سال ۳۲ سرودی ساخت که ماها می‌خواندیم.»<sup>۳۲</sup>

به گفته تمیمی، توللی سالیان دراز با توده‌ای‌ها، خوانین قشقایی و خانواده قوام شیرازی، سخت مبارزه می‌کرد. غوغائیان به تحریک دشمنان توللی، خانه‌اش را ویران کردند. توللی بام به بام جان‌ش را از چنگ او‌باش به سلامت برد.<sup>۳۳</sup>

همسر توللی نیز راجع به علاقه توللی به دکتر مصدق چنین می‌گوید: «فریدون مصدق را واقعاً دوست داشت. درست یادم هست ۲۸ مرداد ریختند خانه ما را غارت کردند و فریدون به تهران گریخت.»<sup>۳۴</sup>

توللی شعری با نام «یا مرگ یا مصدق» سروده است که البته در هیچ یک از مجموعه‌های شعری او درج نشده است. به نظر می‌رسد این شعر از آن قبیل اشعاری است که از زبان فرخ تمیمی در سطور پیشین، به آن اشاره شد. این شعر در مجله حافظ چاپ شده است که ابیاتی چند از آن نقل می‌شود.

از خطه خراسان تا شهر عشق، شیراز از زابل و خوی و ری تا بهبهان و اهواز

از قلب شهر تبریز تا پای مرز قفقاز آید به گوش هر کس این دلنواز آواز

از جان خود گذشتیم با خون خود نوشتیم یا مرگ یا مصدق

جاری زکشته خلق چون سیل جوی خون است

ظلم و شقاوت و جور از حدبسی فزون است

بنیاد ظلم پیداست کز بیخ و بن نگون است

مارا به سوی وحدت این بانگ رهنمون است

از جان خود گذشتیم با خون خود نوشتیم یا مرگ یا مصدق<sup>۳۵</sup>

به گفته صدرا ذوالریاستین شیرازی، توللی آثاری دارد که آنها را همزمان با قطعات التفصیل سروده است که البته این اشعار به خاطر جو حاکم بر مطبوعات آن زمان، پای از محافل دوستانه بیرون نگذاشته است. البته برخی از این اشعار بعد از سقوط پهلوی دوم و آزادی مطبوعات منتشر شد که موضوع آنها حول رهبر نهضت نفت و چهره ملی «دکتر مصدق» می چرخد. (از قبیل همین شعر که ذکر آن رفت.) همین طور شعری دارد در قالب دو بیتی پیوسته که پیرامون خسرو گل سرخی شکل گرفته است.<sup>۳۶</sup> (نگارنده موفق به پیدا کردن این شعر نگشت.)

محمدرضا تبریزی توللی را به عنوان شاعری هنرمند و مسئول در رأس هرم مبارزه جای می دهد که آثار تکان دهنده حرکت آفرین و رهائی بخش او در سالهای سیاه بعد از شهریور ۱۳۲۰ مخصوصاً جریان ملی شدن صنعت نفت و نهضت مقاومت ملی، تأثیری عمیق در روند حرکت‌های ضد استبدادی در تاریخ سیاسی ایران معاصر برجای می گذارد.<sup>۳۷</sup>

مهدی پرهام توللی را یک نابغه می داند و حزب توده را در پرورش این نبوغ دارای هیچ سهمی نمی بیند. از نظر او، توللی سنتها را می شکست و بازسازی می کرد و آثاری می آفرید که از جهت محتوا و فرم فراتر از آثار گویندگان و سرایندگان عصر خود بود.<sup>۳۸</sup>

کاتوزیان در مقدمه «خاطرات سیاسی خلیل ملکی»، توللی را به همراه کسانی چون نادرپور، ساعدلو، وثیق و .... دارای سهم عمده‌ای در کوشش‌های قلمی می داند که آثار آنها بر غنای سیاسی روزنامه سیاسی «نیروی سوم» که خلیل ملکی برانتشار آن نظارت داشت، می افزودند.<sup>۳۹</sup>

یکی از اقدامات سیاسی توللی، نوشتن مقاله‌ای است که آنرا در ۱۹ خرداد سال ۱۳۴۰ در مجله «سپید و سیاه» به چاپ رسانده است. موضوع آن اعتصاب معلمان به خاطر احقاق حقوقشان و برقراری رتبه‌های عقب افتاده آنهاست. در این رابطه، عده‌ای زندانی

می‌شوند و اعتصاب، انعکاسی همه‌جانبه در کشور پیدا می‌کند. توللی نیز روند اعتصاب را به خوبی در مقاله‌اش بیان می‌کند و عناصر خیانت پیشه دولت را که در جریان این اعتصاب حضور دارند، رسوا می‌کند. متن این مقاله در کتاب «نقش توللی در ادبیات سیاسی دوره پهلوی» نوشته محمدرضا تبریزی آمده است.<sup>۴۰</sup>

اما کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ توللی را کاملاً تغییر می‌دهد. به گفته برخی، کودتا نیمه دیگر چهره توللی را ترسیم می‌کند. توللی بعد از کودتا مانند بسیاری از شاعران و روشنفکران همعصرش به ورطه ناامیدی در می‌افتد و از آن پس مرگ و گناه در اشعار او نمایان می‌شود. شیپور انقلاب او (اشاره به شعر «فردای انقلاب» در مجموعه «رها») در گوشه‌ای خاک می‌خورد، خانه‌اش به آتش کشیده می‌شود و او از این پس متواری می‌شود و به تهران می‌آید.<sup>۴۱</sup>

این مصیبتی بود که فقط بر سر توللی نیامد، بلکه این انزوا سراغ بسیاری دیگر از همکیشان او نیز آمد. رضا براهنی در این باره می‌گوید: «سرخوردگی جامعه ما از رمانتیسیم، فرار به آغوش خیالهای واهی، آغوش مادر، معشوق، افیون و دهها پناهگاه دیگر در واقع معلول سرخوردگی اجتماعی و جانشین روبرو شدن واقعی با جامعه بود.»<sup>۴۲</sup>

حسن امداد، کودتای ۲۸ مرداد را چنان در روحیه شاعر اثرگذار می‌داند که باعث می‌شود او دیگر در پی روزنامه نگاری و مبارزه شدید علنی برنیاید. زیرا اگر هم می‌خواست چنین کند، دیگر امکان انتشار آثار خود را نداشت. از اینرو به انزوا روی می‌آورد.<sup>۴۳</sup>

این کودتا برای توللی بسیار گران تمام شد. روزنامه‌هایی چون فروردین، سروش، اقیانوس، دنا، بهار ایران، کهکشان، شرق میانه، ایران ما و اندیشه نو آثار او را منتشر می‌کردند. از سال ۱۳۲۸ تا ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تمام اشعار و مقالات روزنامه «صدای شیراز» نوشته و سروده توللی است. حتی بعد از کودتا توللی در روزنامه «بهار شیراز» مقالاتی به شیوه التفصیل به چاپ رساند که موضوع اجتماعی اخلاقی و رنگ و روی سیاسی داشت. اما با افزایش اختناق پس از کودتا سازمان امنیت دستور توقیف این روزنامه

را صادر کرد و پس از چند ماه، مشروط به اینکه این روزنامه از چاپ آثار توللی خودداری کند، دوباره اجازه انتشار آن را داد.<sup>۴۴</sup>

انزوای توللی و دست کشیدن از مبارزات قلمی، صدای بسیاری از صاحب نظران و منتقدین آن دوره را در می آورد. به خصوص که شاعر به طرف اشعاری کشیده می شود که از او بعید می نماید. اشعار عاشقانه مبتدلی که سراسر دفتر «پویه» اش را دربر می گیرد و مرگ و ناامیدی که در «نافه» موج می زند. ناصرالدین صاحب الزمانی در کتاب «دیباچه ای بر رهبری»، توللی انقلابی و ضداشراف را بعد از کودتا به صورت کارمندی خسته و افسرده در گوشه اداره ای می بیند که منتظر مرگ است. شاعری که بعد از انزوایش غم نان دارد و از این روست که حتی دست به دامان اسدالله علم که برای او خضر نجات است می شود. و حتی در مجموعه «پویه» شعری را برای او می سراید که باعث اعتراض بسیاری می شود.<sup>۴۵</sup>

برخی معتقدند که فریدون می توانست بر فراز بماند و نامی بلندتر از خود باقی بگذارد. اشعار و آثار سیاسی اجتماعی او دارای اندیشه هایی است که در آثار دیگر معاصرانش به ندرت یافت می شود. به نظر آنان، او وسوسه شد تا پای خود را به جای پای کسانی بگذارد که روزگاری زیر تیغ طنز او بودند.<sup>۴۶</sup>

با کودتای سال ۱۳۳۲، پرونده آثار سیاسی اجتماعی توللی بسته می شود. مجموعه رها که اولین دفتر شعر توللی است با اینکه به موازات کتاب التفصیل سروده شده است، اما به جز شعر «فردای انقلاب» نمی توان در آن از اندیشه های اجتماعی سیاسی سراغی گرفت و این شاید به این دلیل باشد که شاعر آرای سیاسی اجتماعی خود را در قطعات التفصیل و کاروان به نگارش درآورده است. مجموعه های بعدی او که بعد از کودتا سروده شده و انتشار یافته اند، خالی از اندیشه ها و افکار مبارزه طلبانه هستند.

البته لازم به ذکر است که در مجموعه بازگشت که در سال ۱۳۶۹ یعنی چند سال پس از مرگ شاعر، منتشر شده است، اشعاری دیده می شود که در دهه پنجاه، سروده شده است و حاوی افکار متقدانه با رنگی از اعتراض تند و صریح است. اما این اشعار، در آن

زمان منتشر نشده‌اند و پس از انقلاب اسلامی، در مجموعه بازگشت که به همت همسر او چاپ شد، دیده می‌شوند.

آرای سیاسی انتقادی توللی که در دو مجموعه التفصیل و کاروان آمده است، در بحث‌های جداگانه‌ای مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اما توللی و شعر او که محور کار این پژوهش است، نیاز به تفصیل و شرح بیشتری دارد که به آن پرداخته خواهد شد.

## توللی و شعر

اشعار توللی که او را به عنوان شاعر مطرح می‌کند با افکار سیاسی او بسیار متفاوت است. او مقالات طنزآمیز التفصیل و کاروان را در خدمت به افکار انقلابی خود می‌نویسد. هر چند که التفصیل نیز خالی از مطالب جانبی و گاهی هزل‌آمیز نیست، اما به هر حال این کتاب اثری است با آرای سیاسی و اجتماعی.

اما اشعار توللی که در مجموعه‌های رها، پویه، نافه، شگرف و بازگشت منتشر شده است با قطعات طنزآمیز سیاسی او تفاوت بسیاری دارد.

توللی در ابتدای کار شاعری خود با مجلات همکاری می‌کند. دکتر خانلری راجع به این همکاری چنین می‌نویسد: «یک روز در میان نامه‌ها قطعه شعری بود که از شیراز رسیده بود با نامی که تا آن وقتها نشنیده بودم. فریدون توللی. اما شعر را پسندیدم. تغزلی بود با عنوان مریم. شاید «مریم» نخستین اثر توللی بود که جنبه سیاسی اجتماعی نداشت. (او) در شهر خود با حریفان سیاسی در افتاده بود. شعرهای تند انقلابی سروده بود و مقالات نیشدار پر از طنز و ریشخند در هجو دولتیان آن روزگار نوشته و در روزنامه‌های محلی چاپ کرده بود.»<sup>۴۷</sup>

علی بابا چاهی نیز فعالیتهای ادبی توللی را جدای از کارهای خلاق هنری او ورق می‌زند و او را یکی از ۷۸ نفر شاعر و نویسنده‌ای معرفی می‌کند که در نخستین کنگره نویسندگان ایران شرکت کرده و دو شعر «فردای انقلاب» و «مریم» (۲ شعر از مجموعه